

گزارش

نشریه آمریکایی مدعی شد:

تهران ووااشنگتن فرصت کاهش تنش را دارند

فاران افروز، نشریه آمریکایی، با پرداختن به تاریخچه روابط تهران و واشنگتن در طول دهه‌های گذشته تأکید کرد: به‌رغم سال‌ها خصومت نهادینه‌شده میان ایران و ایالات متحده، دو کشور همچنان فرصت بازگشت به دیپلماسی و کاهش تنش در روابط میان خود را دارند. به گزارش ایسنا، نشریه آمریکایی در یادداشت خود با اشاره به جنگ تحمیلی ۱۲اروزه میان ایران و رژیم صهیونیستی که با دخالت نظامی آمریکا همراه شد، آن را اوج چهار دهه بی‌اعتمادی، انزجار و تقابل توصیف کرد و نوشت: از زمان شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران در سال ۱۹۷۹ دو کشور همواره در ضدیت با یکدیگر بوده‌اند و خصومت بین ایران و ایالات متحده همچنان ادامه داشته اما در دهه‌های پس از حملات ۱۱ سپتامبر، بیشتر شده است. ترور ژنرال «قاسم سلیمانی»، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، در سال ۲۰۲۰، پس از موجی از تحریکات در منطقه نیز دو کشور را به پرنگاه کشاند و «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور آمریکا، با حمله به سه سایت هسته‌ای ایران در ژوئن، خصومت‌ها را به اوج خود رساند. «ولی نصر»، ستون‌نویس نشریه فارن‌افروز، در ادامه با تأکید بر اینکه «تهران و واشنگتن دشمنان سازش‌ناپذیر به نظر می‌رسند»، خاطرنشان کرد ایالات متحده در طول این سال‌ها استراتژی مهار و فشار را دنبال کرده که شامل اتحادهای منطقه‌ای به رهبری آمریکا، پایگاه‌های نظامی ایـالات متحده در منطقه و حلقه محکم تحریم‌هایی است که اقتصاد ایران را تحت فشار قرار می‌دهد. در نهایت، امسال این استراتژی گسترش یافت و شامل حملات آشکار آمریکا به خاک ایران شد. نصر تصریح کرد: با این حال، خصومت امروز اجتناب‌ناپذیر نبوده است. مسیرهای سالم‌مت‌امیزتری در دسترس بود و در واقع با تصمیمات درست در تهران و واشنگتن، ایران و ایالات متحده هنوز می‌توانستند راه‌هایی برای کاهش تنش‌ها و حتی عادی‌سازی روابط خود پیدا کنند. در چندین مورد، ایران و ایالات متحده به‌ویژه در دو دهه گذشته فرصت داشتند از خصومت متقابل خود بکاهند. اما این سابقه مملو از فرصت‌های از دست رفته، دو کشور را به آینده‌ای با درگیری‌های عمیق‌تر محکوم نمی‌کند.

آمریکای می‌تواند به دیپلماسی بازگردد

به نوشته ستون‌نویس فارن‌افروز، «ایالات متحده می‌تواند از فرصت پس از جنگ ۱۲اروزه برای بازگشت به دیپلماسی استفاده کند و اکنون این فرصت را دارد که روابط خود با تهران را در مسیر متفاوتی قرار دهد و به دنبال چانه‌زنی‌های جدیدی باشد که می‌تواند سیاست‌های خارجی و هسته‌ای ایران را تغییر دهد. دولت‌های ایالات متحده و ایران قبلا در انجام این چرخش‌ها شکست خورده‌اند اما حتی اکنون سیاست‌گذاران نباید سرنوشت‌گرا باشند. گذشته، هرچقدر هم که مملو از فرصت‌های از دست رفته باشد، نباید مقدمه باشد». ولی نصر با ارائه جزئیاتی درباره سوابق روابط میان تهران و واشنگتن تأکید کرد شرایط پس از حملات ۱۱ سپتامبر، سران ایران را متقاعد کرد که واشنگتن هرگز حاضر به پذیرش ایران انقلابی نخواهد بود. تهران سیاست‌های ایالات متحده، از جمله ساخت پایگاه‌های خارجی و نظامی در افغانستان، خلیج فارس و آسیای مرکزی و تشدید تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را به عنوان سیاست‌هایی با هدف تغییر نظام در ایران تلقی کرده است. بلافاصله پس از جنگ عراق نیز سران ایران چنین درک کردند که باید با اتخاذ سیاست‌های منطقه‌ای تهاجمی، ایجاد برنامه هسته‌ای و تقویت قابلیت‌های پهنپای و موشکی ایران، در برابر ایالات متحده مقاومت کنند و آن را بازدارند. این نشریه در بخش دیگری از یادداشت خود به مذاکرات هسته‌ای ایران و قدرت‌های جهانی به عنوان نمونه‌ای موفق از به کارگیری دیپلماسی یاد کرد که در نهایت در سال ۲۰۱۵ به حصول توافق میان آنها تحت عنوان برنامه راهبردی جامع اقدام مشترک (برجام) انجامید.

برجام می‌توانست مبنایی برای توافق‌های بعدی باشد

در ادامه این یادداشت آمده است: برجام دستاورد بزرگی در اعتمادسازی بود. اگر این توافق پابرجا می‌ماند، می‌توانست مبنایی برای توافق‌های بعدی با ایران باشد که همراه با کاهش تحریم‌ها بر اقتصاد ایران می‌توانست پویایی سیاسی در داخل تهران را تغییر دهد و با گذشت زمان، روابط بین ایران و ایالات متحده می‌توانست به سمت عادی‌سازی بیشتر پیش برود اما این توافق، آن گشایش رو به رشدی را که برخی از طرفدارانش به آن امیدوار بودند به همراه نداشت. در نهایت، خروج ایالات متحده از برجام درانش به آن امیدوار بودن به همراه نداشت. در نهایت، خروج ایالات متحده از دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ از این توافق منجر به فروپاشی برجام شد که تنش‌ها بین تهران و واشنگتن را به‌شدت افزایش داد. فارن‌افروز در بخش پایانی این یادداشت با اشاره به اینکه پس از جنگ ۱۲اروزه وضعیت برنامه هسته‌ای ایران و ذخایر اورانیوم آن نامشخص است، نوشت: اگر ترامپ نمی‌خواهد ایران از الگوی کره شمالی پیروی کند و به یک کشور هسته‌ای تبدیل شود و نمی‌خواهد برای جلوگیری از این نتیجه به جنگ با ایران ادامه دهد، دولت او باید به دنبال یک راه‌حل دیپلماتیک باشد. ایران نیز به همین ترتیب، خواهان جنگ با ایالات متحده نیست، دو کشور باید دیپلماسی را نتهتایا برای انعقاد یک توافق فوری در مورد قابلیت‌های هسته‌ای ایران، بلکه برای ایجاد اعتماد و ترسیم مسیر جدیدی برای روابط خود بیندیزند. دیپلماسی هسته‌ای باید فقط آغاز و کف این رابطه باشد، نه سقف آن.

یادداشت

جامعه‌تعلیقی

در اوردالی، محکوم برای ساعتی با دقایقی میان مرگ و زندگی معلق است. در شرایطی که او قرار دارد، کار چندان‌ی نمی‌توان کرد. چنان‌که در معتقدات دیرین بود که خداوند است که با قضاوت خود تکلیفش را روشن خواهد کرد. محکوم بی‌آنکه توان چندانی داشته باشد، در وضعیتی تعلیقی باید بماند تا بشود. آنچه خواهد شد. نتیجه اول) تعلیق با ماندن بین زمین و هوا وضعیتی می‌سازد که در آن هنجارها و قواعد متداول و مرسوم معنا یا کارکرد خود را از دست می‌دهند. فیرد نمی‌تواند مطابق آنچه همگان در حالت عادی انجام می‌دهند، انجام دهد. چیزی در اختیارش نیست. باید منتظر بماند تا چه پیش آید. برخلاف عرف‌ها و رویه‌ها چشم ببندد و بگذرد. در وضعیت تعلیقی خیلی از قواعد و معیارها هم برای او معلق می‌شوند. شما وقتی مورد حمله قرار می‌گیرید، می‌توانید از قاعده دفاع مشروع استوفاده کنید. اما یک محکوم تعلیقی برای گریز از خطر احتمالی قبول‌نکردن دفاع مشروع از طرف محکمه و احیای محکومیت قبلی به دلیل جرم جدید، ناگزیر است فقط فرار کند. نتیجه دوم) جامعه نیز به شکلی دیگر ممکن است در وضعیت تعلیقی قرار گیرد. جامعه‌ای که دیگر نمی‌تواند اراده خود را به اجرا بگذارد، نمی‌تواند آنچه را که از شر بر او می‌گذرد، دفع کند که مبداا شر بدتری گریبانش را بگیرد. راه‌هایش از چنان جهت بسته‌اند و چشم به آسمان دارد و فقط امید می‌پرورد و... این یک جامعه تعلیقی است. این نمونه جامعه‌ای تعلیقی است. در جامعه تعلیقی نیز معیارها و قواعد از کار می‌افتند. حقوق از معنا تهی می‌شود و اخلاق به چیزی بیهوده یا حتی زیان‌بار بدل می‌شود.

آنچه ما زندگی می‌کنیم) وضعیت بی‌حقوقی جامعه ایران ما را در وضعیت تعلیق عمومی قرار داده است. ناترازی‌ها یا به تعبیر درست‌تر بحران‌ها و ابربحران‌های متعددی گریبان جامعه را گرفته است که کار چندان‌ی در برابر آن نمی‌توانیم کرد. آب، برق و سوخت، همه وضعیت بسیار شکننده، اقتصادی که امروز تا فردایش معلوم نیست، جنگی که با تجاوز یک رژیم خون‌ریز درگرفت و هنوز نمی‌دانیم آتش آن زبانه می‌کشد یا نه، روابط پر مشکل و بحران با آمریکا و اروپا که هیچ معلوم نیست چه سرنوشتی خواهد ساخت برای ایران، امنیتی که مجهول است و در خیابان که گوشی همراه را به دست می‌گیریم، باید با چهار چشم مراقب باشیم تا آن را نقتابند و... در این تعلیق عمومی قاعده‌ای پابرجا نمی‌ماند. الا قاعده هنوز زور، زور کسان‌ی که به دلیل قدرت پول یا سیاست می‌توانند خود را برهانند. در جامعه تعلیقی زندگی در امید معنا می‌شود. امید به آنکه قضاوت الهی به حکمی برای رهبنان از مصائب کشور منتهی شود... که ایام غم نخواهد ماند/ چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند.

مهدی بازرگان: در آستانه پایان مهلت تعیین‌شده از سوی تروئیکا اروپایی (آلمان، فرانسه و بریتانیا) برای ارسال نامه فعال‌سازی «مکانیسم ماشه» تا پایان اگوست ۲۰۲۵ (۹ شهریور ۱۴۰۴)، ایران بار دیگر به شیوه آشنایی «دیپلماسی دقیقه ۹۰» متوسل شده؛ رویکردی که در پرونده هسته‌ای مسوبق به سابقه است و این بار نیز به نظر می‌رسد با هدف خرید زمان، تعدیل فضای سیاسی-دیپلماتیک و جلوگیری از بازگشت خودکار تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل طراحی شده باشد. در همین چارچوب، اظهارات اخیر اسماعیل بقائی، سخنگوی وزارت امور خارجه، در نشست خبری روز دوشنبه ۲۷ مرداد ۱۴۰۴ مبنی بر تداوم گفت‌وگوها با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در روزهای آینده، نشان می‌دهد که تهران در تلاش است مدیریت بحران جاری را در قالب مذاکره و تعامل دیپلماتیک پیش ببرد.

مکانیسم ماشه (Snapback) که در چارچوب قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت پیش‌بینی شده، یکی از حساس‌ترین ابزارهای حقوقی و سیاسی برای اعمال فشار بر ایران به شمار می‌رود. فعال‌سازی این سازوکار عملا به معنای بازگشت همه تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران، بدون امکان وتو از سوی اعضای دائم شورای امنیت است. ازاین‌رو هر بار که تهدید فعال‌سازی این سازوکار مطرح می‌شود، تهران به طور سنتی به «دیپلماسی دقیقه ۹۰» متوسل می‌شود؛ رویکردی که هدف آن خرید زمان، بازکردن فضای مانور و ایجاد شکاف میان طرف‌های غربی است.

فضای متفاوت پساجنگ

پس از جنگ ۱۲اروزه ژوئن ۲۰۲۵ و حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران، فضای بین‌المللی علیه تهران منسج‌تر شد. اتهام نقض تعهدات در چارچوب ان‌پی‌تی از سوی آژانس و فشارهای اروپایی‌ها برای شفاف‌سازی درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده، ایران را در موقعیتی قرار داد که هرگونه تعلل می‌توانست به بازگشت فوری تحریم‌های سازمان ملل منجر شود. در چنین شرایطی، دیپلماسی دقیقه ۹۰ صرفا یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی برای مدیریت بحران بود.

در این چارچوب، ایران تلاش کرده است با ارسال پیام‌های دیپلماتیک، تداوم گفت‌وگو با آژانس و نشان‌دادن آمادگی برای همکاری مشروط، از یک سو زمان بخرد و از سوی دیگر مانع از بسته‌شدن کامل کانال‌های مذاکره شود. این منطق به‌خوبی در سخنان اسماعیل بقائی و سفر معاون مدیرکل آژانس به تهران بازتاب یافت، حرکتاتی که می‌تواند به‌مثابه «ضربه‌گیر دیپلماتیک» عمل کرده و مانع از برخورد مستقیم و فوری اروپا با ایران شود.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی: از میانجی تا اهرم فشار؟

یکی از متغیرهای اصلی در بحران کنونی، نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است. ایران به‌خوبی می‌داند که بدون همکاری حداقلی با این نهاد، هرگونه تلاش برای جلوگیری از مکانیسم ماشه محکوم به شکست است. از سوی دیگر، آژانس نیز در شرایطی قرار دارد که هم تحت فشار غرب برای ارائه گزارش‌های سخت‌گیرانه است و هم نیازمند حفظ حداقل روابط با ایران به منظور دسترسی‌های فنی.

اظهارات اخیر رافائل گروس‌ی، مبنی بر خوش‌بینی به بازگشت بازرسان تا پایان سال جاری، در ظاهر نشان‌دهنده تمایل آژانس به حفظ مسیر تعامل است. اما واقعیت این است که گروس‌ی در سال‌های اخیر بارها به دلیل رویکردهای جانب‌دارانه مورد انتقاد تهران قرار گرفته است. این امر سطح اعتماد متقابل را به‌شدت تضعیف کرده و هرگونه توافق احتمالی را شکننده می‌کند.

از سوی دیگر، آژانس در گزارش‌های خود همواره بر موضوع ذخایر اورانیوم با غنای بالا تأکید داشته است؛ مسئله‌ای که می‌تواند خط قرمز اصلی اروپا برای تمدید مهلت مکانیسم ماشه باشد. بنابراین دیپلماسی تهران باید میان دو چالش متضاد تعادل ایجاد کند: نخست، ارائه حداقلی از شفافیت برای اشناع آژانس و تروئیکا اروپایی و دوم، جلوگیری از بازشدن بیش از حد درهای نظارت که می‌تواند محدودیت‌های داخلی و امنیتی ایجاد کند.

اروپا و سناریوی تمدید: فرصت یا دام؟

تروئیکای اروپایی در تهدید اخیر خود، ذیل ارسال نامه به شورای امنیت صراحتا اعلام کرده‌اند که در صورت نبود پیشرفت ملموس، مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد. با این حال، پیشنهاد تمدید شش‌ماهه مهلت، نشان‌دهنده نوعی بازی دوگانه است. از یک سو، این پیشنهاد می‌تواند فرصت ارزشمندی برای ایران باشد تا از بازگشت فوری تحریم‌ها جلوگیری کرده و فضای مذاکره را باز نگه دارد. از سوی دیگر، این تمدید به نوعی «دام سیاسی» نیز محسوب می‌شود، چراکه اروپا می‌تواند در این دوره شش‌ماهه با ابزارهای فنی آژانس، اطلاعات بیشتری بر برنامه هسته‌ای ایران به دست آورده و سپس با دست پرتری



«شرق» از دور جدید مذاکرات تهران و آژانس در آستانه پایان ضرب‌الاجل تروئیکا گزارش می‌دهد

تهران و مربع فشار

وارد فاز فشار شود.

تهران به‌خوبی می‌داند که پذیرش این تمدید نیازمند امتیازدهی محدود است. بازگشت بازرسان، ارائه گزارش درباره ذخایر اورانیوم و آغاز مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا می‌تواند شروط اصلی اروپا باشد. در مقابل، ایران می‌تواند با مدیریت هوشمندانه این امتیازات، از یک سو مانع از تشدید فشارها شود و از سوی دیگر موقعیت خود را در تعاملات احتمالی با دولت ترامپ تقویت کند. درواقع چنانچه ایران بتواند این شش ماه را به دوره‌ای برای بازسازی ظرفیت دیپلماتیک و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل کند، این تمدید می‌تواند به فرصتی راهبردی بدل شود. در غیراین‌صورت، صرفا به تعویق افتادن بحران خواهد بود و در پایان شش ماه، فشارها با شدت بیشتری باز خواهد گشت.

توازن میان تهدید و تعامل: ابزارهای تهران برای مدیریت بحران

یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی ایران در مواجهه با بحران‌های بین‌المللی، ترکیب هم‌زمان «تهدید و تعامل» است. تهدید به خروج از ان‌پی‌تی یا بستن تنگه هرمز ازجمله ابزارهایی است که تهران در سال‌های اخیر بارها برای بازدارندگی استفاده کرده است. این تهدیدها پیام روشنی برای غرب دارند: فشار بیش از حد می‌تواند به بی‌ثباتی منطقه‌ای و افزایش هزینه‌های امنیتی برای اروپا و آمریکا منجر شود.

اما در کنار تهدید، ایران همواره کانال تعامل را باز نگه داشته است. مذاکرات استانبول، گفت‌وگو با آژانس، سفر معاون گروس‌ی، اعزام هیئت‌های دیپلماتیک و ارسال پیام‌های غیرمستقیم به اروپا و آمریکا بخشی از همین استراتژی است. ترکیب این دو ابزار به تهران اجازه می‌دهد که هم از فشار فوری جلوگیری کند و هم در صورت لزوم، گزینه‌های بازدارنده خود را یادآور شود.

با این حال، تداوم این سیاست نیازمند مدیریت دقیق است. استفاده بیش از حد از تهدید می‌تواند باعث اجماع‌سازی علیه ایران شود، درحالی‌که امتیازدهی گسترده در مسیر تعامل می‌تواند حساسیت‌های داخلی را برانگیزد. هنر دیپلماسی دقیقه ۹۰ تهران دقیقا در همین نقطه تعریف می‌شود: یافتن توازن میان تهدید و تعامل به گونه‌ای که هزینه‌ها به حداقل و فرصت‌ها به حداکثر برسند.

میان تردید و خوش‌بینی

چشم‌انداز بحران مکانیسم ماشه ترکیبی از تردید و خوش‌بینی است. از یک سو، فقدان اعتماد میان ایران و آژانس، فشارهای سیاسی آمریکا و دوگانگی اروپا موجب می‌شود که هر توافق احتمالی تمایلی به موفقیت باشد. از سوی دیگر، وجود کانال‌های باز دیپلماتیک، تمایل آژانس به تداوم همکاری و حمایت‌های بالقوه روسیه و چین از ایران در شورای امنیت می‌تواند فضای تنفس ایجاد کند.

سناریوی خوش‌بینانه آن است که ایران در سایه تداوم مذاکرات با آژانس و نیز با ارائه تضمین‌های محدود (مانند بازگشت بازرسان) موفق به تمدید شش‌ماهه مهلت شود و در این بازه زمانی، مسیر گفت‌وگوهای گسترده‌تر را هموار کند. این سناریو به تهران اجازه می‌دهد تا از فشار فوری جلوگیری کرده و از فرصت برای مدیریت تنش‌های منطقه‌ای و بازسازی ظرفیت‌های داخلی استفاده کند.

سناریوی بدبینانه آن است که سطح بی‌اعتمادی به‌قدری افزایش یابد که اروپا مکانیسم ماشه را بدون توجه به اعتراضات ایران فعال کند. در این صورت، تحریم‌های سازمان ملل باز خواهد گشت و انزواي ایران تشدید خواهد شد. هرچند وتوی احتمالی روسیه و چین می‌تواند این روند را کند کند، اما هزینه‌های سیاسی و اقتصادی برای ایران بسیار بالا خواهد بود. در نهایت، موفقیت دیپلماسی دقیقه ۹۰ تهران به توانایی در مدیریت این توازن بستگی دارد. هرچه ایران بتواند با حداقل امتیازدهی، حداکثر زمان و فرصت را بخرد، شانس عبور از بحران افزایش خواهد یافت. در غیر این صورت، بازگشت تحریم‌ها و بسته‌شدن فضای دیپلماسی می‌تواند معادلات منطقه‌ای و جهانی را وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر کند.

علی بیگدلی: تهران باید راه‌ی برای خروج از مربع فشار پیدا کند

با توجه به آنچه گفته شد، علی بیگدلی در گفت‌وگوی خود با «شرق» و ذیل نگاهی آسیب‌شناسانه اذعان دارد که «سیاست خارجی ایران همچنان با ضعف‌های ساختاری روبه‌روست»؛ ضعف‌هایی که به گفته او موجب شده «تهران غالبا به جای داشتن ابتکار عمل، در موضع واکنش قرار گیرد». او بر این باور است که دیپلماسی ایران عمدتا به «حرکات دقیقه ۹۰» محدود شده و این الگو نتهتایم‌کنی به کاهش فشارها نمی‌کند، بلکه هزینه‌های سنگین‌تری بر کشور تحمیل خواهد کرد. این استاد دانشگاه با اشاره به قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و تعهدات ایران می‌گوید: «چنانچه سطح غنی‌سازی ایران از محدوده تعیین‌شده بالاتر برود، مکانیسم ماشه فعال خواهد شد». این



تحلیلگر ارشد مسائل اروپا یادآور می‌شود که «هم‌زمانی نزدیکی مواضع آمریکا با آلمان، فرانسه و انگلستان بر سر مسئله اوکراین و نشست اخیر در کاخ سفید، فشارها علیه ایران را در یک مربع فشار شامل آمریکا، اروپا، اسرائیل و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار داده است». از دیدگاه علی بیگدلی، «تهنار راه خروج از این مربع فشار، بازکردن یکی از اضلاع آن است و بهترین گزینه، همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است». مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی بر این باور است که «حضور مقامات ارشد آژانس در ایران و ارائه یک گزارش جامع می‌تواند فضا را تغییر دهد؛ اما عدم استقبال جدی ایران از این روند، فرصت‌ها را محدودتر ساخته است». کارشناس ارشد مسائل حوزه بین‌الملل در ادامه گفته‌های خود، توضیح می‌دهد «اتحادیه اروپا براساس حقوق بین‌الملل و محتوای قطع‌نامه ۲۲۳۱ اختیار قانونی دارد پرونده ایران را به شورای امنیت ارجاع دهد». به اعتقاد او، «اگر چنین مسیری طی شود، ایران تنها چیزی حدود چهار هفته فرصت خواهد داشت تا از پیامدهای آن جلوگیری کند؛ در غیر این صورت، احتمال ارجاع پرونده ذیل فصل هفتم منشور سازمان ملل بسیار جدی خواهد شد». ازاین‌رو بیگدلی پیشنهاد می‌کند که «تهران بدون تاخیر، باب مذاکرات مستقیم و شفاف با اروپایی‌ها را باز کند و از کارشناسان بلندپایه آژانس دعوت کند».

از نگاه این مفسر ارشد حوزه بین‌الملل، «تعلل کنونی تهران در تصمیم‌گیری، پیامدهای خوبی نخواهد داشت». در عین حال او یادآور می‌شود که «یکی از گزینه‌های مطرح‌شده، تمدید شش‌ماهه برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه است، اما در شرایط فعلی بعید به نظر می‌رسد چنین گزینه‌ای روی میز فعال و پابرجا باشد». علی بیگدلی با اشاره به سخنان عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، پیرامون روایت‌های افراف آمیز مکانیسم ماشه، معتقد است «اظهارات اخیر او در جهت آرام‌سازی فضای داخلی و کاهش نگرانی‌ها نسبت به این اتفاق (فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگشت قطع‌نامه‌ها) بوده است». ضمن آنکه به باور این استاد دانشگاه، «برخی مقامات تلاش دارند شرایط را کم‌اهمیت جلوه دهند، اما واقعیت آن است که با فعال‌شدن مکانیسم ماشه، تحریم‌های سنگین‌تری علیه ایران اعمال خواهد شد و در این میان، روسیه و چین نیز نمی‌توانند مانعی جدی بر سر راه غرب ایجاد کنند».

این تحلیلگر ارشد مسائل اروپا تأکید می‌کند «راهبرد فعلی ایران، عملا گزینه‌ای جز مذاکره سریع با اروپا باقی نگذاشته است». او هشدار می‌دهد «ادامه مسیر فعلی می‌تواند اسرائیل را نیز JSوریت کند». بنابراین از منظر او، «کرچه آمریکا در شرایط کنونی تمایلی به جنگ مستقیم ندارد، اما اسرائیل در صورت خروج از بحران غزه و کاهش فشارهای داخلی، ممکن است گزینه حمله به ایران را با جدیت دنبال کند». بیگدلی در مقام کارشناس ارشد مسائل حوزه بین‌الملل، «وضعیت کنونی ایران را ترکیبی از مشکلات اقتصادی، فشارهای ژئوپلیتیک و تهدیدات امنیتی توصیف می‌کند و یادآور می‌شود که «احتمال کشیده‌شدن دامنه بحران‌ها به مناطق حساس همچون جزایر سه‌گانه نیز وجود دارد و این مسئله باید جدی گرفته شود». با چنین قرائتی، بیگدلی در شرایط کنونی تمایلی به جنگ مستقیم ندارد، اما اسرائیل تصریح می‌کند «یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات سیاست خارجی ایران، ازدست‌دادن جبهه اروپا بوده است؛ جبهه‌ای که اگرچه هنوز امکان بازسازی روابط با آن وجود دارد، اما این فرصت بسیار محدود و رو به پایان است».

این مفسر ارشد حوزه سیاست خارجی به صراحت می‌گوید: «اگر همین امروز ابتکار عمل برای مذاکره مستقیم با وزرای خارجه اروپا در دستور کار قرار گیرد، هنوز امکان بازگرداندن اروپا به میز مذاکره وجود دارد. اما هرچه زمان بیشتری بگذرد، این مسیر دشوارتر خواهد شد و اروپا بهانه‌های بیشتری برای پیوستن به مواضع آمریکا و اسرائیل خواهد یافت». با اشاره به اظهارات وزیر خارجه فرانسه، ژان بارو، که بر لزوم شفاف‌سازی درباره غنی‌سازی ۶۰ درصدی و همکاری کامل با آژانس تأکید کرده بود، خاطرنشان می‌کند که اروپا در حال حاضر سه مطالبه اصلی دارد که مستشملر «توقف غنی‌سازی فراتر از سقف تعیین‌شده، شفافیت در فعالیت‌های موشکی، و محدودسازی نقش نیروهای نیابتی ایران در منطقه». از این رو علی بیگدلی، در بخش دیگری از گفت‌وگو با «شرق» متذکر می‌شود که «ایران باید از بیان مواضع سیاسی توسط غریب‌سایون پرهیز کند». در راستای این تحلیل انتقادی، استاد دانشگاه شهید بهشتی ادامه می‌دهد که «در هیچ کدام از قواعد علم سیاست پذیرفته نیست که نظامیان به جای دیپلمات‌ها مواضع سیاسی و حتی تهدیدهای نظامی را اعلام کنند. این رویکرد بهانه‌های بیشتری در اختیار اروپا و آمریکا قرار می‌دهد و جبهه آنان را در برابر ایران مستحکم‌تر می‌سازد». در بخش پایانی این گپ و گفت، بیگدلی مجددا تأکید دارد: «نزدیکی روزافزون جبهه اروپا، آمریکا و اسرائیل، خطری جدی برای ایران است و تنها راه جلوگیری از ورود پرونده ایران به مرحله‌ای غیرقابل بازگشت، بازگشت فوری به میز مذاکره با اروپا و تعامل سازنده با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است».

خبر

سردار فدوی:توان سپاه نسبت به دوماه گذشته افزایش یافته است

جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه

مردم در جنگ ۱۲اروزه شاهد افزایش توان رزم سپاه و نتایج آن بودند، تأکید کرد: آمادگی سپاه پاسداران نسبت به دوماه پیش افزایش داشته است. سردار علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در گفت‌وویی اظهار کرد: از ابتدای تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تاکنون افزایش توان رزم سپاه در دستور کار بوده و هیچ‌گاه تعطیل نشده است. به گزارش فارس، او افزود: در جنگ ۱۲اروزه تمام دنیا برای مقابله سخت با ایران آماده شدند و امید پیروزی داشتند ولی خداوند شکست را برای تمام دشمنان رقم زد. جانشین فرمانده کل سپاه با بیان اینکه مردم در جنگ ۱۲اروزه شاهد افزایش توان رزم سپاه و نتایج آن بودند، تأکید کرد: آمادگی سپاه پاسداران نسبت به دو ماه پیش افزایش داشته است.

عبادت نماینده رهبر انقلاب از آیت‌الله نوری مهندانی و دیدار با آیت‌الله مکارم شیرازی و سبحانی

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمدی گلپایگانی به نمایندگی از رهبر انقلاب با حضور در قم از حضرت آیت‌الله نوری مهندانی عبادت کرد و جویای احوال و سلامتی ایشان شد. به گزارش تسنیم، رئیس دفتر مقام معظم رهبری همچنین با حضور در بیوت آیات عظام مکارم شیرازی و سبحانی، سلام رهبر انقلاب را به آنان ابلاغ کرد.

بازگشت خانواده‌های نظامیان آمریکایی به بحرین

بخشی از خانواده‌های نظامیان آمریکا که به دنبال حملات رژیم صهیونیستی به بحرین را ترک کرده بودند، با بازگشایی مدارس به این کشور بازگشتند. به گزارش ایسنا، خانواده‌های نظامیان آمریکایی پس از یک تابستان پرتنش همراه با آذیرهای حمله هوایی و خروج‌های دقیقه‌آخری از پایگاه دریایی آمریکا در غرب آسیا، به وضعیت عادی بازگشتند. آغاز سال تحصیلی جدید در مدارس بحرین امسال در کانون توجه بود، چراکه پس از اوج‌گیری درگیری میان رژیم صهیونیستی و ایران در اوایل ژوئن اتفاق افتاد. در آن زمان، به دلیل نگرانی از عملیات علیه پایگاه‌های آمریکایی، وزارت دفاع آمریکا خروج داوطلبانه اعضای غیرضروری خانواده‌ها از سراسر این منطقه را مجاز کرد. ۲۳ ژوئن و در آستانه ششمین دور از رازنی‌های هسته‌ای ایران و آمریکا به میانجیگری عمان، رژیم صهیونیستی در حرکتی متجاوزانه حملاتی را علیه ایران انجام داد که طی آن شماری از فرماندهان نظامی و دانشمندان هسته‌ای و شمار زیادی غیرنظامی به شهادت رسیدند. در پی آن، ایالات متحده هم به این کمپین متجاوزانه پیوست و سه تأسیسات متجاوزانه بحرنیست و سه تأسیسات هسته‌ای ایران را هدف قرار داد. ایران هم ضربات سختی را به سرزمین‌های اشغالی وارد کرد و در نهایت منافع آمریکا را در قطر هدف گرفت که خسارت هنگفتی وارد آورد و پس از آن متجاوزان صهیونیستی و آمریکایی وادار به پذیرش آتش‌بس شدند. تخلیه خانواده نظامیان آمریکایی در بحرین در حالی انجام شد که ایران عملیاتی علیه پایگاه‌های آمریکایی در بحرین نداشت و فقط ۱۴ موشک به پایگاه هوایی العبدید در قطر شلیک کرده بود. کاپیتان زکریا آپراوش، فرمانده پایگاه آمریکایی در بحرین، در بیانیه‌ای گفت: «خوشحالم که می‌بینم مدارس بحرین دوباره به کار اصلی باز می‌گردند؛ یعنی آموزش و توانمندسازی نسل آینده همراه با ایجاد دوستی‌های چندملیتی ماندگار».

در همین حال جسیکا تاکابری، سخنگوی بخش آموزش وزارت دفاع آمریکا در اروپا، گفت هنوز مشخص نیست چه تعداد خانواده آمریکایی به بحرین بازگشته‌اند، اما ثبت‌نام در مدارس نسبت به سال گذشته کمی بیشتر شده است.

به گزارش وب‌سایت استریتز، برخی خانواده‌های آمریکایی پس از خروج تابستانی تصمیم گرفتند در آمریکا بمانند. از جمله سابرینا سیچی، مسر یک سرهنگ تفنگدار دریایی که اوایل تابستان امسال همراه سه فرزندش تحت برنامه خروج داوطلبانه بحرین را ترک کرد.